

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

استاد محمد نسیم "اسیر"

فرنکفورت، ۶ سپتمبر ۲۰۰۹م

انتصاب مجدد آقای کرزی

در ماه مارچ سال ۲۰۰۲م، با سقوط طالبان و انتصاب آقای کرزی در دولت موقت، باخوش بینی های بیش از حد، شعری سروده و بحیث یک وطندار دور از وطن خواهشاتی از ایشان نموده بودم که ازان دوره و ازان خواهشات پوره هفت و نیم سال می گذرد و ما شاهد فرازاها و نشیب های فراوانی درین دستگاه پرماجرا، زیر نام انتقالی و انتخابی بوده ایم.

اینک همانطوریکه به فارغان پوهنتون کابل گفته بود، «ایلا دادنی نیستم» براستی ایلا نداد و یک بار دیگر در این مقام مقرر شد و من هم به این مناسبت شعری سروده و با شعر چند سال قبل یکجا تقدیم دوستداران شعر و ادب می نمایم تا وجیه و رسالت خود را انجام داده باشم.

پس از حمد باری و نعت رسول سلام مودت بفرما قبول
وطندار نستوه و عالی مقام ز «کرز» آمدی «حامد» نیک نام
تو نام نکو از پدر داشتی که تاج کرامت به سر داشتی
بود روشن این گپ چو بدر منیر که ره پر فرازست و فرصت خطیر
به پیرانه سر، عرض حالی کنم دلی از غم و درد خالی کنم
تو کز بحر موج درد آمدی بنازم، درین رزم فرد آمدی
بیا لحظه ای درد ما گوش کن دگر حرف ها را فراموش کن
پیام دل درد مندان شنو ز کابل شنیدی، ز المان شنو
که ما خانه داران بی خانه ایم به هم آشنایان بیگانه ایم
همه خوش نما و همه خوش لباس ولی در حقیقت همه بی اساس
به هرجا به ما حرف بد می زنند به سیمای ما دست رد می زنند
پناهنده بی پناهیم ما نکرده گنه پُر گناهیم ما
گناه همه فرقت میهن است عجب لکه ننگ در دامن است
ره آمدن در وطن باز کن سر انجام، کار نو آغاز کن

که ما، پا برون از سراب آوریم فرا سوی میهن شتاب آوریم
 که از بهر ما خار از گل خوش است گدای سرچوک کابل خوش است
 پس از این همه شور و سوز جگر کنم قصه درد دل مختصر
 در آخر ز «سعدی» عالی جناب نمایم یکی پند نغز انتخاب
 تو آویزه گوش، این پند کن توکل به لطف خداوند کن
 «حریص و جهانسوز و سرکش مباش ز خاک آفریدنت، آتش مباش»
 «ریاست بدست کسانی خطاست که از دستشان، دست ها برداست»
 «بداندیش تست آن و خونخوار خلق که نفع تو جوید در آزار خلق»
 «بداندیش را لفظ شیرین مبین که ممکن، بود زهر در انگبین»
 «دل دوستان جمع بهتر که گنج خزینه تهی به، که مردم به رنج»
 «برانداز بیخی که خار آورد درختی بپرور که بار آورد»
 «چو گربه نوازی، کیوتر برد چ فریه کنی گرگ، یوسف در»
 «جفا پیشگان را بده سر به باد ستم بر ستم پیشه، عدل است و داد»
 «جهانسوز را گشته بهتر چراغ یکی به در آتش که خلقی به داغ»

چنین بود عرض «اسیر» حزین

به روی و به موی سفیدش ببین

و این هم شعری که با انتصاب مجدد شان سروده شده است، به آرزومندی انجام خواسته های اکثریت مردم مظلوم و محروم افغانستان توسط آقای کرزی و همکارانش:

کرزیا! باز انتصاب شدی در صف لیدران حساب شدی

ظاهرا گر چه انتخاب شدی پیشوای پر آب و تاب شدی

در وطن مالک الرقاب شدی

با وجود تخلف بسیار در ولایات قندهار و مزار

بلکه در جوزجان و ننگرهار رای تو بود بیشتر ز شمار

هم برنده به فاریاب شدی

بسکه این کار می نمود آسان چل نفر همچو داره دزدان

سر و پا کنده، بر زده دامان عاقبت دیده شد که در میدان

تو دران جمله کامیاب شدی

بر تو بسیار خرده گیری شد بد زبانی و بد ضمیری شد

در جوانی نشد به پیری شد عاقبت بینیی خمیری شد

که تو واجد به این نصاب شدی

مردم با شهامت و آگاه خرده گیرند بر تو با اکراه

هست در بین مردم این افواه در تقاب بسان عبدالله

پیش آهنگ انقلاب شدی

بر تو بسیار کر و فر کردند انتقادات سر به سر کردند

گوشت از حرف زیاد کر کردند بر سر راه تو خطر کردند

مورد طعن شیخ و شاب شدى
دوستم را كه بود يار قديم رتبه دادى دوباره مثل فهم
بر خيلى شدى كريم و رحيم با محقق جليس و يار و ندیم
تا گلو غرق منجلا ب شدى
برسرت راه يافت هر كل وكور قهر شد هم عطا محمد نور
حرف بد گفت از شرافت دور ساخت پيش همه ترا منفور
پيش او سخت لاجواب شدى
عبدالله جان چه تركتازى كرد بيش از حد زبان درازى كرد
خُده انگيخت و فتنه بازى كرد بى وضوبود ، بى نمازى كرد
طعنه بشنيدى و عتاب شدى
هشت سال است يكه و تنها مى روى گاه تا و گاه بالا
از اروپا به سوى امريكا هم به دربار بارك اوياما
بار ها رفته ، بارياب شدى
ديگران هم رود به اين دربار تازه سازند قشقه را هر بار
نكند كس از اين عمل انكار جبهه سايند بر درش ناچار
توبه اين باغ گل ، گلاب شدى
تو درين سال ها چها ديدى تلخ ديدى و تند بشنيدى
گاه غريده ، گاه ناليدى جز خدا از كسى نترسيدى
عاقبت همچو شمع آب شدى
من كه با حرف راست پابندم راست گويم دروغ نپسندم
به دروغهاى تو همى خندم بى سبب نيست ، بشنواين پندم
تو كه امروز انتخاب شدى
عزم جزمى چو شيرگران كن دور نو را بجا به دوران كن
تكيه بر لطف پاك يزدان كن با صداقت ب صحنه جولان كن
همتى هم بحكم وجدان كن سيل آسا غريده طغيان كن
وحدت قوم را به سامان كن رنج پشتون و تاجك آسان كن
بر فساد اداره عصيان كن عاصيان را زخود گريزان كن
گر سرت هم رود ، شتابان كن خاكدان وطن گلستان كن
قلمت را چو تيغ بران كن خاينان را ز پا اويزان كن
همت خويش را نمايان كن اشتباه ار شده است جبران كن
خدمت هندو و مسلمان كن چشم گريان خويش خندان كن
طالبان را مطيع فرمان كن جنگ سالار را به زندان كن
دردهاى دواست درمان كن هر قدر مشكل ست آسان كن
كار نيكي به خير افغان كن بعد ازان هر چه ميكنى آن كن
تا نگويند باز خواب شدى